

تکنیک خلاقیت - شش کلاه تفکر

در جریان زندگی خویش که بخشی از آن در سازمان‌ها، محیط‌های خانوادگی و یا در کنار دوستان سپری می‌شود، گاهی نیازمند برگزاری جلسات برای اتخاذ تصمیمات جدید هستیم. اگرچه گهگاه در تصور مردم، برگزاری جلسات به عنوان یک عمل غیر کارا مطرح می‌شود اما بهره‌گیری درست و اصولی از آن می‌تواند بسیار اثر بخش باشد. به همین علت هر نشستی در خانواده و یا با دوستان و یا در محل کار و نظیر اینها می‌تواند زمینه‌ی برای شروع یک تصمیم‌گیری ارزشمند باشد. ادوارد دوبونو پدر تفکر خلاق در کتاب «شش کلاه تفکر» یک روش خلاقانه ارائه می‌کند و از طریق آن می‌کوشد نشست افراد به دور یکدیگر را به اقدامی ثمربخش و کارا تبدیل کند.

«دوبونو» سعی می‌کند به کسانی که به دور هم جمع می‌شوند، بیاموزد که به تفکر خود نظم دهند و آنگاه در این میان، به راههای خلاقانه بیاندهند و با یک هماهنگی مدبرانه نتایج را طبقه‌بندی و اولویت‌بندی کرده و در تصمیم‌گیری‌ها از آن استفاده کنند.

اگر شما می‌خواهید با تکنیک شش کلاه تفکر در جلسات قدم بگذارید، بهتر است این مقاله را بخوانید و آنگاه عمل کنید: تصور کنید به یک جلسه قدم گذاشته‌اید و شما مسوول نظم‌دهی، هدایت و نتیجه‌گیری از آن جلسه هستید، در اینجا کلاه آبی را بر سر شما خواهند گذاشت، زیرا هنگامی که کسی کلاه آبی را بر سر می‌گذارد باید به موارد زیر دقت کند. ۱ رنگ آبی نماد آسمان آبی رنگ است که چتر آن بر همه جا گسترده شده است و کسی که کلاه آبی بر سر خود می‌گذارد باید بتواند افکار جاری در محیط جلسه را در ذهن خود به جریان درآورد و نظم و تمرکز دهد. ۲ کلاه آبی همچون یک نرم‌افزار است که تلاش می‌کند به تفکر کردن جمع، جهت دهد و با برنامه‌ی مشخص آن را به سرانجام برساند و گویی همچون یک کارگردان تفکر ما را هدایت می‌کند.

۳ با کلاه آبی اولویت‌ها و محدودیت‌ها تعیین می‌شود. به هر حال فرد خوش‌شانسی هستید که کلاه آبی بر سر شما قرار می‌گیرد و اگر مدبرانه عمل کنید می‌توانید به انجام یک تصمیم خوب موفق شوید. اکنون بر روی صندلی خود بنشینید و موضوع و یا مشکل مورد بحث را بر روی تخته‌سیاه بنویسید. در نخستین اقدام و با هدایت شما همه اعضا باید کلاه سفید را بر سر بگذارند و در مورد موضوع بیان شده بیاندهند. هنگامی افراد همگی تصمیم می‌گیرند با کلاه سفید تفکر کنند باید به نکات زیر توجه کنند:

۱- کسی که کلاه سفید بر سر می‌گذارد باید بطور موقت عقاید و نظراتش را به بایگانی ذهنش بسپارد.

۲- هر آن چیزی که از اطلاعات محض در مورد موضوع یا مشکل مورد بحث می‌دانید بیان کنید.

۳- «ادوارد دوبونو» در این باره می‌گوید: چنین فردی همچون کودکی است که محتویات جیب خود را بر روی میز خالی می‌کند.

۴- هنگامی که کلاه سفید را بر سر می‌گذارید، نباید به چیزهایی که شامل الهامات، قضاوت‌های متکی به تجارب گذشته، عواطف، احساسات و عقاید است توجه کنید و تنها باید همچون یک رایانه، فقط اطلاعات ارائه کنید.

حال شما باید اطلاعات به دست آمده از حاضرین در جلسه را که به واسطه تفکر با کلاه سفید ارایه شده است را جمع‌بندی کنید و اعضای جلسه را وارد مرحله بعد کنید تا با گذاشتن کلاه قرمز بر سر، شروع به تفکر کنند.

هنگامی که حاضرین می‌خواهند با کلاه قرمز در مورد موضوع مورد نظر تفکر کنند باید به نکات زیر توجه کنند:

۱- اجازه دهید احساسات و عواطف بر وجود شما حاکم شده و به زبان درآیند و هر کسی می‌تواند از الهامات و دریافت‌های ناگهانی خویش سخن گوید و دیگر نیازی به استدلال نیست. اگر به احساسات اجازه بروز ندهیم بدون شک ناخواسته و بدون دقت نظر، در تصمیم‌گیری‌ها وارد شده و چه بسا سبب بروز مشکلاتی برای ما شوند.

۲- هنگامی که از کلاه قرمز استفاده می‌کنیم از قوی‌ترین احساسات خود نظیر ترس و نفرت گرفته تا احساسات ظریف نظیر تردید و سوءظن باید سخن به میان آوریم و به گفته «دوبونو» باید همچون آینه‌یی شویم که احساسات با تمام پیچیده‌گی‌هایش بیان شوند. بدون شک احساسات نقش مهمی در زندگی انسان دارند و چه بسا سبب ایجاد هدفهایی نیز در زندگی ما شوند. شما با کلاه قرمز ممکن است چنین جملاتی را به زبان آورید: «اگرچه همه آمارها و اطلاعات احتمال موفقیت می‌دهد اما احساسم می‌گوید، موفق نمی‌شویم» و یا بگویید: «اگرچه اطلاعات و آمار احتمال موفقیت نمی‌دهند اما احساسم می‌گوید، موفق می‌شویم» پس از اینکه تمام نظرات اعضای جلسه ارایه شد، شما اقدام به جمع‌بندی تراوشات فکری حاضران کرده و آنگاه به مرحله بعد قدم بگذارید و اجازه دهید حاضران کلاه سیاه را بر سر بگذارند.

با گذاشتن این کلاه بر سر نباید احساسات منفی بدون منطق بیان شوند بلکه فرد باید دیدگاه‌های منفی خود را در خصوص مشکل یا موضوع مورد بحث به صورت منطقی بیان کند. بدون شک اگر از این کلاه بخوبی استفاده شود، می‌تواند ما را از مخاطراتی که در آینده از چشمان ما دور می‌ماند آگاه کند. ما باید به خاطر داشته باشیم امروزه بسیاری از مردم کلاههای سیاه رنگی بر سر می‌گذارند که تنها با احساسات منفی همراه است که در آن از منطق خبری نیست. منفی‌بودن اصولاً آسان‌تر است. زیرا خراب کردن از درست کردن آسان‌تر است. تفکر منفی به گفته «دوبونو» جذاب است، زیرا دستاوردهای آن را می‌توان به فوریت مشاهده کرد. اثبات خطای دیگران برای ما رضایت در پی دارد و حمله کردن به یک دیدگاه در ما احساس برتری می‌بخشد و برعکس ستودن یک نظر سبب می‌شود در خود احساس کنیم با فرد برتری روبرو شده‌ایم. اصولاً در این مرحله، افراد باید اشتباهات و خطاها و موارد نادرست موجود در موضوع یا مشکل مورد بحث را مطرح کنند و نتایج بحث‌های ارایه شده توسط شما جمع‌بندی شده و در نهایت ثبت شود و آنگاه بار دیگر اجازه دهید حاضران کلاه زرد را بر سر خود بگذارند و شروع به تفکر کنند.

زرد نماد آفتاب است و آفتاب شروعی برای سازندگی، شادابی و خوش‌بینی است. گویی هر جا سراغ از خورشید گرفته می‌شود گرمی زندگی و زایشی دیگر در میان است و تفکر مثبت باید به همراه کنجکاوی و شادمانی و سرور و تلاش برای درست شدن کارها باشد. فرد با گذاشتن کلاه زرد تلاش می‌کند به نکات ارزشمند و مثبت موضوع بنگرد.

اصولا افکار سازنده به سوی مثبت گرایی تمایل دارند. یکی از تمریناتی که فرد با کلاه زرد می تواند انجام دهد بهره گیری از تجربیات ارزشمند گذشته است. کلاه زرد در ابتدا درصدد کشف فواید موجود در موضوع مورد بحث است و هر آنچه می کاود، بیان می دارد. اکنون بار دیگر به جمع بندی نظرات به دست آمده بر اثر کلاه زرد پردازید.

اکنون حاضران باید کلاه سبز را بر سر بگذارند. کلاه سبز، کلاه خلاقیت است. سبز، رنگ باروری است و همچون دانه بی است که هنگامی که در دل خاک می روید، روزی به درختی تناور و سرسبز تبدیل می شود هنگامی که افراد کلاه سبز را بر سر می گذارند، باید به راه های نو بیاندیشند که می تواند در آن موضوع مورد نظر اثر گذار بوده و به تصمیم گیری های خلاقانه منجر شود.

شما با این کلاه علاقه مند هستید در راه تغییر قدم بگذارید و تحول را در آغوش بگیرید. نظرات جدید و بدیع ارایه کنید و جرعه خلاقیت را از ذهن خود به بیرون رها کنید.

هر گاه تمامی این راهها با بن بست روبرو شد اکنون باید به مدد خلاقیت راههای جدیدی را کشف کنید. خلاقیت شامل انگیزش، کندوکاو و پذیرش خطر است.

هنگامی که حاضران کلاه سبز را بر سر می گذارند، فرصتی می یابند که مغز را از روزمرگی بیرون آورده و به جست و جوی چیزهای کشف نشده هدایت کنند. حال فرصتی به حاضران دهید تا ایده های نو ارایه کنند و آنگاه به ثبت این ایده ها پرداخته و به جمع بندی نظرات پردازید. بدون شک برای خلاقانه اندیشیدن باید فرهنگ خلاقیت را بر فضای جلسه حاکم کنید. اکنون شما باید تلاش کنید که با کلاه آبی که بر سر گذاشته اید به ارزیابی نتایج پرداخته و به یک جمع بندی مناسب برسید و در نهایت در جهت حل مشکل یا پیگیری مورد نظر تصمیم نهایی را بگیرید. بدون شک هر یک از اعضا می توانند کلاه آبی را به امانت گرفته و با آن به تفکر پردازند و در اتخاذ تصمیمات به شما کمک کنند. در پایان شما در می یابید هنگامی که جلسه را اینگونه مدیریت می کنید، دیگر تنها شاهد آن نخواهید بود که یک فرد تنها با کلاه سیاه به جلسه قدم بگذارد و یا فرد دیگری تنها با کلاه قرمز تفکر کند. بلکه همه مجبورند با شش کلاه مذکور تفکر کنند و اندیشه های ذهن خود را ارایه کنند.